

بسم الله الرحمن الرحيم

جایگاه و اهمیت کار از دیدگاه اسلام و دانشمندان علوم اجتماعی و امام خمینی (ره)

میثم علی بالایی^۱

چکیده :

یکی از ارکان های اساسی در زندگی اجتماعی، جهاد و کار و کوشش انسان ها می باشد. کار و جهاد، یک جامعه را به مرزهای توسعه و ترقی نزدیک ساخته و باعث آبادانی و رشد آن سرزمین می شود، علاوه بر آن کار و فعالیت، نتایج ارزنده ای را در جسم و روح انسان دارد. با توجه به فواید و نتایج مثبت کار در اجتماع و روحیه فرد، آموزه های اسلام به کار و جهاد اهمیت زیادی می دهد. کار کردن فقط به معنای داشتن شغلی معین در جامعه نمی باشد، بلکه فرد باید در هر جایگاه و هر سنی، اهل سعی و کوشش باشد و بتواند در شکوفایی مادی و معنوی و رشد اجتماع، نقش مفیدی ایفا نماید. ارزش کار، فقط به لحاظ مادی و کسب درآمد و ثروت نیست، کار همگانی باعث رشد و توسعه یک جامعه گشته و کشور را به سوی شکوفایی اقتصادی و پیشرفت اجتماعی سوق می دهد و اعضای آن جامعه را انسان هایی فرهیخته و سالم بار می آورد. کار و کوشش یکی از نمودهای شکر گذاری از نعمت ها و الطاف خداوند می باشد. کار و کوشش شبانه روزی از ویژگی های سیره انبیاء و ائمه اطهار بوده است. نگاهی به شیوه و روش زندگی رهبران دینی گویای این مسئله است که ایشان در کنار امور دینی و عبادت خداوند، از کار و فعالیت اقتصادی غافل نمی ماندند، پیامبر اکرم (ص) همواره، امت خویش را به کار و جهاد دعوت می نمودند،

کلمات کلیدی :

اهمیت کار، تلاش ، همت ، ادیان توحیدی ، اسلام

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد عرفان اسلامی و عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد دهقان - تلفن ۰۹۱۳۱۸۶۰۶۲۱

مقدمه :

از مهم‌ترین رموز موفقیت در زندگی، تلاش و پایداری در راه هدف است. اراده سترگ، تحرک و پویایی که از اعتقاد راسخ انسان سرچشمه می‌گیرد، در راه رسیدن به اهداف عالی فردی و اجتماعی انسان ضروری‌ترین عامل به شمار می‌آید

کار سرمایه و ذخیره ملی است و می‌تواند به رشد تمدن کمک کند. اگر افراد جامعه‌ای به طور نسبی بتوانند کار و شغل مناسب به دست آورند و شغل آنان متناسب با استعدادها، توانایی‌ها و علائق آنها باشد، زمینه برای نوآوری، ابتکار، رشد و پیشرفت در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه به وجود می‌آید. برعکس اگر زمینه‌های اشتغال و کار در جامعه محدود و تقاضا برای کار بسیار باشد، به تدریج بیکاری افزایش می‌یابد و گسترش بیکاری منجر به آسیب‌ها و پیامدهای ناگوار در جامعه می‌شود. از نظر لغوی کار به معنای فعل و عمل و کردار انسان است و در اصطلاح، کار فعالیتی است نسبتاً دائمی که به تولید کالا یا خدمات می‌انجامد و به آن دستمزدی تعلق می‌گیرد. به عقیده بعضی از صاحب‌نظران در تعریف کار به نوع خاصی از کار توجه نشده است؛ بلکه کار را در مفهوم عام سرچشمه انباشت ثروت و سرمایه و نهایتاً رشد و شکوفایی جوامع تلقی کرده‌اند. نویسنده‌ای در این باره می‌گوید: «مردم سرچشمه ثروت‌های منقول بوده و افزایش ثروت از کار و زحمت آنها ناشی می‌شود (میک، رونالد، ۱۳۵۸: ۲۲)». بر اساس این تعریف فعالیت و کار به طور عمده از طریق هدف‌ها و ارزش محصولی که تولید شده معین می‌گردد؛ به عبارت دیگر کار زمینه را برای تولید و افزایش خدمات ایجاد می‌کند. به طور کلی کار عبارت است از: مجموعه عملیاتی که انسان با استفاده از مغز، دست‌ها، ابزار و ماشین‌ها برای استفاده عملی از ماده روی آن انجام می‌دهد و این اعمال نیز متقابلاً بر انسان اثر می‌گذارد و او را تغییر می‌دهد (توسلی، غلامعباس، ۱۳۷۵: ۱۰). براساس تعریف مذکور کار دارای سه خصوصیت است: نخست، کار مبتنی بر فعالیت فکری و بدنی است. دوم، از طریق کار، کالایی تولید می‌شود یا خدمتی عرضه می‌گردد. سوم، در قبال انجام کار، دستمزدی پرداخت می‌گردد. در اندیشه حضرت علی‌علیه‌السلام می‌توان به صورت استنباطی کار را چنین بیان نمود: کار عبارت است از تلاش و کوشش انسان‌ها برای آماده کردن زاد و توشه آخرت در دوران زندگی در دنیای مادی. حضرت علی‌علیه‌السلام می‌فرماید: «فعلیکم بالجد والاجتهاد والتأهب والاستعداد والتزود فی منزل الزاد» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳۰/۹). بر شما باد به تلاش و کوشش، آمادگی و آماده شدن و جمع‌آوری زاد و توشه آخرت در دوران زندگی. از دیدگاه علی‌علیه‌السلام در جامعه یکی از حقوق اولیه مردم این است که همه حق دارند، شاغل باشند. کار کوچکی و بزرگی ندارد؛ مگر با توجه به کاری که انجام می‌دهند و هر کس اعم از مرد و زن پاداش کار خود را خواهد دید.

اهمیت همت و اراده

از معانی همت می‌توان به اراده، عزم، شجاعت و قوت اشاره کرد. عزم و اراده انسان هرچه قوی‌تر باشد امکان دستیابی به خواسته‌هایش بیشتر می‌شود. از این رو می‌توان گفت همت پیش‌زمینه هرگونه اقدام و عمل است. بلندهمتی و همت برتر داشتن در حقیقت نشانه اراده سترگ برای تحول به وضعیت بهتر است. لذا از ویژگی‌های یک مدیر موفق

برخورداری از قدرت تصمیم‌گیری اوست، به گونه‌ای که اگر فرد دارای همت عالی باشد می‌تواند کارهای بزرگ انجام دهد. شهید مطهری با ذکر این جمله حضرت امیر المؤمنین علی‌علیه‌السلام که فرموده‌اند قدر الرجل علی قدر همته، یعنی قدر و اندازه هر کس همان قدر و اندازه همتش است، اهمیت و استحکام این سخن را این‌گونه می‌رساند که این عبارت از «جمله‌های خیلی عجیب و پرمعنایی است.» با چنین نگاهی ایشان همت را نشانه چند ویژگی مثبت ذیل برمی‌شمارد:

۱. همت نشانه بزرگی روح: وی معتقد است "مسلماً همت بزرگ نشانه روح بزرگ است و همت کوچک نشانه روح کوچک است".

۲. همت نشانه سلامت و نشاط روان: از زاویه‌ای دیگر، استاد وجود همت و عمل در راستای آن را از نشانه‌های روح و روان سالم دانسته. (مرتضی مطهری، ج ۲: ۱۵۰) در جایی دیگر شهید مطهری همت را به میزان قدرشناسی از خویش ارتباط می‌دهد که این نگاه، ادامه همان دیدگاه حضرت امیرعلیه‌السلام به همت است. وی در توضیح این نظر خویش می‌گوید: «روح بزرگ یک آرزوی بزرگ است، یک اندیشه بزرگ و وسیع است، یک خواهش و اراده بزرگ، یک نعمت بزرگ است... روح بزرگ به کمی و کوچکی و حقارت، تن نمی‌دهد، به کم از قدر خود راضی نمی‌شود.» (همان، ج ۱۷: ۶۶۰)

شهید مطهری با هم‌تراز شمردن همت با نبوغ و حتی عشق و ایمان، برخورداری از آن را دارای اثرات و نتایج ویژه‌ای می‌داند که امکان فائق آمدن بر کمبودها و نواقص و پذیرش سختی و زحمت را برای انسان و جامعه فراهم می‌آورد. (همان، ج ۲: ۲۶۴) استاد بر دو اثر ویژه کار و تلاش تأکید کرده‌اند: ۱. انجام کارهای بزرگ را بدون داشتن همت متناسب با آن شدنی نمی‌داند و معتقد است با همت برخی کارهای به ظاهر نشدنی هم عملی می‌گردد. (همان، ج ۱۴: ۴۳) ۲. غالب اوقات کمبود یا نبود اراده و همت موجب می‌شود کارها متوقف و به بهانه کمبودها و مشکلات، این ضعف توجیه شود (همان، ج ۱۸: ۳۲۹)

ارزش و اهمیت کار

در اسلام بسیار به کار و تلاش اهمیت داده می‌شود حضرت رسول صلی الله وعلیه وآله دستی را می‌بوسد که از کار تاول‌زده و پینه‌بسته است و می‌فرماید: «این دستی است که خدا و پیامبرش آن را دوست دارند (جرداق، جرج، ج ۱، ۱۳۷۶: ۱۷۲) و نیز می‌فرماید: خداوند بنده با ایمان پیشه‌ور را دوست دارد و هیچ‌یک از شما غذایی گوارتر از دسترنج خود نخورده است» (همان: ۱۷۲) علاوه بر پیامبر اسلام صلی الله وعلیه وآله ائمه اطهار علیهم‌السلام هر کدام به کار و فعالیت می‌پرداختند. پس از رسول اسلام، امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام از هر کس متواضع‌تر بود. در امور خانه به همسر خویش کمک می‌کرد و شخصا به کار و تلاش در مزرعه می‌پرداخت. با کلنگ زمین را می‌کند و آن را شیار و آبیاری می‌کرد و بارهای هسته خرما را روی شانه می‌گذاشت و به صحرا می‌برد و بر زمین می‌فشاند و اگر یک دانه‌ای از آن بر زمین می‌افتاد، خم می‌شد و آن را برمی‌داشت و می‌فرمود: امروز هسته است و فردا خرما (برقی قمی، سید علی‌اکبر، بی‌تا: ۵۵) حضرت علی‌علیه‌السلام علاوه بر رسالت زمامداری و امامت به کارهای زراعت و باغبانی می‌پرداخت و درآمد

آن را صرف فقرا و یتیمان جامعه می‌نمود. آن حضرت در اهمیت و ارزش کار و تلاش می‌گوید: کشیدن سنگ‌های گران از قلعه‌های کوه، نزد من از منت دیگران کشیدن محبوب‌تر است. مردم به من می‌گویند: کار برای تو عیب است و حال آن که عیب آن است که انسان دست نیاز نزد مردم دراز کند (قریشی، شریف، ۱۳۶۶: ۶) در اندیشه و مرام امام علی‌علیه‌السلام کار از تقدس و احترام خاص برخوردار است چنان‌که فرمود: پاداش هر کس در قبال هر کاری است که انجام می‌دهد. و در این باره چنان سخت گرفت که معروف شد، علی یاور هر کسی است که کار می‌کند و دشمن آن کسی است که به گدایی می‌پردازد قال علی(ع) للحسن(ع): لا تلم انساناً يطلب قوته فمن عدم قوته كثر خطايه. علی(ع) به فرزندش امام حسن(ع) فرمود: کسی را که به دنبال روزی و امرار معاش می‌رود، سرزنش نکن، زیرا کسی تلاش نکند و مایحتاج خود را به دست نیاورد. گناهان او زیاد خواهد شد. (بروجردی، حسین، بی تا، ج ۲۲: ۲۹) در روایت دیگری آن حضرت می‌فرماید: «المومن... مشغول وقته» انسان مؤمن همیشه اوقات مشغول کار است. (حکیمی، محمد رضا و محمد و علی، ۱۳۸۰: ۳۳۳). در این روایت امام علی(ع) یکی از ویژگی‌ها و خصوصیات افراد مؤمن را اشتغال دائمی به کار ذکر فرموده است. همچنین علی(ع) در روایتی به اثر و نتیجه کار اشاره نموده و چنین می‌فرماید: «من يعمل يزدقوه» کسی که کار کند نیرویش افزوده گردد: (حکیمی، محمد رضا و محمد و علی، ۱۳۸۰، ج ۵: ۱۹۲) از جمله اثرات و نتایج اشتغال به کار، افزایش نیرو و توانمندی انسان است. که در روایتی دیگر آن حضرت احاد مردم را به کار و تجارت توصیه می‌نماید: «تعرضوا للتجارات، فان لكم فيها غنى عافى ایدی الناس. به کارهای تجارت بپردازید، زیرا این کار شما را از آنچه که دردست مردم است بی نیاز می‌گرداند. (الحیاه، ج ۵: ۳۷۳). در این روایت آن حضرت توصیه و سفارش به کار و تجارت نموده و به دنبال آن آثار و نتایج این امر را که استقلال و بی‌نیازی انسان از دیگران می‌باشد، بیان فرموده است. آری در نهایت آن حضرت کار و تلاش را شعار یک انسان مؤمن و باتقوی می‌داند زیرا شخصیت هر کسی به وسیله عمل و کار و تلاش او در جامعه شناخته می‌شود و می‌فرماید: «العمل شعار المومن» عمل و کار معرف انسان مؤمن است. (غررالحکم، ج ۲: ۹۳۰۱)

قرآن مجید در سوره نجم می‌فرماید: وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى وَ أَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى. (النجم: ۳۹ و ۴۰) و نیست از برای انسان مگر کوشش و تلاشی که انجام داده است و قطعاً ثمره کوشش و تلاش خود را خواهد دید. خداوند در بیش از دویست مورد، «عمل» انسان را ملاک شخصیت او آورده است و در هفت مورد ماده «صُنْع» را که به معنی صورت دادن کار است بیان فرموده است. حاصل سخن اینکه خداوند، کار و کوشش را ملاک شخصیت آدمی بیان کرده است. همچنین قرآن کریم در آیه‌های ۷۹ و ۸۰ سوره توبه، در مقام ستایش از کار و تلاش چنین می‌فرماید: کسانی که مردم مؤمن را که در بذل صدقات گشاده دست هستند، نکوهش می‌کنند و کسانی که اشخاصی را که جز بازوانشان، یعنی جز کوشش و کارشان مالک نیستند، مسخره می‌کنند، خداوند آنها را مسخره می‌کند و به آنها عذاب دردناک خواهد چشاند. و تو (ای پیامبر) چه برای آنها طلب مغفرت کنی و چه نکنی و اگر هفتاد بار هم برای آنان طلب آمرزش کنی، من آنها را نخواهم بخشید؛ زیرا که آنها به خدا و رسولش کفر ورزیدند و خداوند فاسقان را هدایت نمی‌کند.

در این دو آیه یک نکته قابل دقت و در عین حال تکان دهنده هست. خداوند، آن دسته از انسان ها را که مردمان اهل کار و تلاش را مسخره می کنند، هم ردیف کافران قرار می دهد؛ آنها را فاسق معرفی می کند و از هدایت خویش بی بهره می دارد. این، خود سندی محکم برای دریافتن میزان اهمیت کار و کوشش نزد خداوند است

بر اثر آموزش های نوین و ایدئال اسلامی، کار در ردیف عبادت ها درآمده است. تا آنجا که فضیلت کسی که برای روزی خود تلاش می کند، برتر و بالاتر از عابد بی کار شناخته شده است و در مقابل، تنبلی و بی کاری مظهر نقص، پوچی و ابتذال معرفی شده است.

امام صادق علیه السلام، به یکی از دوستانش به نام معاذ که کار نمی کرد، فرمود: «آیا از کار کردن و داد و ستد کناره گیری کرده ای یا نمی توانی کار کنی؟» گفت: از کار کردن ناتوان نیستم، ولی ثروت زیادی در اختیار دارم که تا پایان عمر، مرا از کار کردن بی نیاز می سازد. حضرت فرمود: «کار را ترک مکن؛ زیرا ترک کار، عقل را زایل می گرداند». در روایتی نیز از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است: "به هر کس از دوستان خود که رسیدید، سلام برسانید و بگویید که: جعفر بن محمد به شما سلام می رساند و می گوید: بر شما باد رعایت تقوای الهی و انجام دادن هر کاری که می توان با آن به پاداش های خداوند رسید. به خدا سوگند که شما را جز به چیزی که به خود فرمان می دهیم، فرمان نمی دهیم. پس به کوشش و تلاش بپردازید. چون نماز صبح گزاردید و تمام شد، هر چه زودتر در پی روزی روانه شوید و خواستار روزی حلال باشید و بدانید که خدای بزرگ، روزی شما را می دهد و کمکتان می کند." (الحیاء، ج ۵: ۴۶۵) همچنین، در حدیثی دل نشین آمده است که امام صادق علیه السلام از شخصی پرسید: عمر بن مسلم چه می کند؟ گفت: فدایت شوم! به عبادت روی آورده و از کسب و کار دست کشیده است. فرمود: «وای بر او، آیا ندانسته است که آن کس که طلب روزی را ترک کند، دعایش مستجاب نخواهد شد». آن گاه آن حضرت ادامه داد: گروهی از یاران پیامبر هنگامی که این آیه نازل شد: «هر کس تقوای الهی را پیشه خود سازد، خداوند، راه رهایی (از تنگ دستی و گرفتاری) را جلوی پای او قرار می دهد، و از جایی که هیچ حساب نمی کند روزی او را می رساند.» (طلاق: ۲ و ۳) دکان ها را بستند و به عبادت مشغول شدند و گفتند: روزی ما تضمین شده است. وقتی به پیامبر خبر رسید، آنان را نزد خود فرا خواند و فرمود: «چه چیز شما را به این کار برانگیخت؟ گفتند: یا رسول الله! خداوند، عهده دار روزی ما شد و ما به عبادت روی آوردیم. در پاسخ شان فرمود: «هر کس چنین کند، دعایش مستجاب خواهد شد. در پی کسب و کار باشید.» (محمد رضا حکیمی، ۱۳۷۷: ۴۷۰)

نقش کار و سلامت جسم و روح

«کار»، یکی از عوامل مهم ایجاد و حفظ سلامت جسمانی انسان است و در نتیجه به صورت غیرمستقیم، ضامن پیش گیری از بسیاری از بیماری های روحی و اخلاقی خواهد بود. بنابراین، برای آنان که خواهان بدنی سالم هستند، کار و تحرک و فعالیت، در حکم نسخه ای شفا بخش خواهد بود. چنان که علی علیه السلام فرموده است: مَنْ يَعْمَلْ يَرْدَدْ قُوَّةً،

مَنْ يَقْصُرْ فِي الْعَمَلِ يَزِدْ فَتْرَةً. هر کس کار کند، نیرویش افزون تر می شود و هر که در کار کردن کوتاهی نماید، سستی او افزایش می یابد. (غررالحکم، ج ۵: ۲۰۴)

یکی از آموزه‌های مهم و یکی از عوامل اساسی در بهداشت روان و سلامتی روح، اشتغال به کار و تلاش مفید و سازنده است. بیکاری، از کارافتادگی و یا انجام کار غیرمفید یکی از مشکلات اساسی انسان در زندگی فردی و اجتماعی و از عوامل پریشانی و افسردگی است. بیکاری تنها ضربه اقتصادی به فرد و جامعه نمی‌زند، بلکه ضرر و خطر بزرگ‌تر آن معطوف به آسیب‌های روحی و رفتاری است؛ زیرا بیکاری انسان را از حیثیت و شخصیت واقعی و بهنجار خویش تنزل می‌دهد و او را از وقار و اعتماد به نفس، که در پرتو کار و تلاش حاصل می‌شود، می‌اندازد. کار به انسان شخصیت می‌دهد، عزت و جوان‌مردی می‌بخشد و حتی او را از آسیب‌ها مصون می‌سازد.

امام موسی کاظم علیه‌السلام درباره آثار تربیتی و روان‌شناختی کار می‌فرمایند: از مردم قطع امید کردن و از ثرویشان چشم پوشیدن و به درآمد کار و اشتغال خود قانع بودن، برای مرد با ایمان مایه عزت دینی و روح جوان‌مردی و شرف دنیوی است. چنین انسانی در نظر مردم بزرگ، و بین خویشان خود محترم، و در محیط خانوادگی دارای هیبت و عظمت خواهد بود. او در ضمیر خود و در نزد دیگران، بی‌نیازترین و عزیزترین مردم است (محمدباقر مجلسی، ج ۷۲: ۱۰۸، ب ۴۹، ح ۱۱)

شغل و حرفه باعث عزت نفس و احساس هویت در فرد شده، موجد ایده‌های خلاق در فرد می‌گردد. چه بسا افرادی در نقش دانشجو، دانش‌آموز و صنعتگر احساس ارزشمندی می‌کنند و در سایه تلاش و فعالیت، به شکوفایی استعداد و توانمندی خود نایل می‌شوند و به دلیل عدم احتیاج مادی به دیگران، به عزت نفس بالاتری دست یابند. در رباعی منسوب به حضرت علی علیه‌السلام چنین آمده است:

كَذَّ الْعَبْدُ أَنْ أَحْبَبَ أَنْ تَصْبَحَ حُرًّا وَ اقْطَعْ الْأَمَالَ مِنْ بَنِي آدَمَ طَرًّا

لَا تَقُلْ ذَا مَكْسَبٍ يَزُرِي فَقْصِدُ النَّاسِ أُزْرِي أَنْتَ مَا اسْتَغْنَيْتَ عَنْ غَيْرِكَ أَعْلَى النَّاسِ قَدْرًا (کمال‌الدین میرحسین میبیدی یزدی، ۱۳۷۹: ۶۳۶)

ترجمه: اگر می‌خواهی آزاد زندگی کنی، مثل برده زحمت بکش و آرزویت را از مال هر کس که باشد، قطع کن. نگو این کار مرا پست می‌کند؛ زیرا طلب کردن از مردم بیش هر چیز ذلت می‌آورد. وقتی از دیگران بی‌نیاز باشی، از همه مردم بلندمرتبه‌تر هستی.

درباره اهمیت کار و نقش آن در بهداشت روانی و آرامش روحی افراد جامعه، اندیشمندان و نویسندگان صاحب‌نام مطالب ارزشمندی بیان کرده‌اند و حتی «کار درمانی» را به عنوان روشی برای آرامش روح و روان انسان‌ها معرفی کرده‌اند. ولتر، نویسنده معروف، درباره اهمیت کار و نقش روان‌شناختی آن می‌نویسد: "هر وقت احساس می‌کنم که درد و رنج

بیماری می‌خواهد مرا از پای درآورد به کار پناه می‌برم و کار بهترین درمان دردهای درونی من است." (بهروز میلانی‌فر، ۱۳۷۴: ۱۹۹) پاسکال نیز می‌گوید: "مصدر و منشأ کلیه مفاسد فکری و اخلاقی بیکاری است، و هر کشوری که بخواهد این عیب بزرگ را رفع کند باید مردم را به کار وادارد تا آرامش کلی در افراد جامعه برقرار شود (همان)

کار درمانی، که امروزه توسط روان‌پزشکان برای برخی بیماری‌های روانی توصیه می‌شود، امر تازه‌ای نیست و در قرن‌های گذشته نیز سابقه داشته است. شاید بی‌علت نباشد که پاستور، دانشمند معروف، گفته است: "بهداشت روانی انسان در آزمایشگاه و کتابخانه است" (همان)

شاید این بدان دلیل باشد که در آزمایشگاه و در کتابخانه، انسان به کار و نیروی تفکر مشغول است و ناراحتی، و رفتاری‌ها مجال جولان در ذهن پیدا نمی‌کنند و نمی‌توانند انسان را دچار ناراحتی روحی و روانی بسازند. بررسی‌های روان‌پزشکی نیز این ادعا را ثابت کرده‌اند که اگر کاری از روی علاقه و ذوق انجام شود، نوعی اعتماد به نفس و آرامش روانی ایجاد می‌کند. پس از جنگ کره و ارتش آمریکا، مسئولان نظامی متوجه شدند که اکثر قریب به اتفاق نظامیان در نتیجه وحشت و اضطراب حاصل از جنگ، به انواع اختلالات روانی مبتلا شده‌اند. مسئولان امر و روان‌پزشکان بهترین راه مداوا را سرگرم کردن آنان به کار تشخیص دادند. پس از گذشت چند ماه، کوچک‌ترین اثری از پریشانی‌های روحی و عصبی آنها باقی نمانده بود (همان: ۲۰۰)

مطالعات تجربی نشان داده‌اند که افراد بیکار در مقایسه با دیگران، از استقلال، و آرامش و سلامت روانی کمتری برخوردارند (Gerald C. Davison, ۲۰۰۱: ۱۹۱-۲۰۷)

گفتنی است با داشتن جسم سالم، زمینه برای روح و عقلی سالم نیز آماده می‌شود، همان گونه که در مقابل، جسم بیمار و ناسالم، می‌تواند بستری برای بسیاری از ناهنجاری‌های اخلاقی و روانی باشد.

اهمیت کار عاشقانه و ارتباط آن با استعداد و خلاقیت

گاهی کار، تنها برای ادای تکلیف و انجام وظیفه صورت می‌گیرد. گاهی نیز، در عشق ریشه دارد و عاشقانه انجام می‌شود. کار به انگیزه ادای وظیفه، گرچه بسیار ارزشمند است و به مراتب بهتر از بیکاری است، ولی در آثار و برکات، هرگز به پای کار «عاشقانه» نمی‌رسد. در «کار عاشقانه» است که آدمی خستگی ناپذیر می‌شود، خلاق و نوآور به بار می‌آید و کارش را نیز به نیکوترین صورت انجام می‌دهد. این «کار عاشقانه» است که چون فراتر از مقیاس‌های کوچک مادی و محاسبه‌ای پولی صورت می‌گیرد، انواع برکت‌ها را به همراه خویش از آسمان نازل می‌کند. کار عاشقانه، مردم خواهی را نیز در پی دارد.

جبران خلیل جبران می‌گوید: "کار، همواره تهی است، مگر آنکه عشق را در سینه داشته باشید و چیست کار کردن عاشقانه؟ بافتن پارچه‌ای است از تار و پودِ دل، گویی دل‌داری از آن پارچه، جامه‌ای خواهد دوخت. ساختن خانه‌ای

است از ملات مهر، گویی دلدارت در آن خانه خواهد زیست. افشاندن بذر است از روی لطف، و درو کردن محصول است با شور و شوق، گویی دلدارت حاصل کار را خواهد خورد. کار عاشقانه، دمیدن پاره ای از روح خویش است در هر آنچه می سازی.^۱

تقریباً هفت قرن پیش، مولانای بلخی گفته بود: هر کسی را بهر کاری ساختند میل آن را در دلش انداختند (مولانا، مثنوی معنوی، دفتر سوم، بخش ۶۸) در واقع مولانا، با این بیت به این نکته اشاره دارد که هر انسانی استعداد ویژه خود را دارد. این گونه نیست که در وجود انسان، استعداد همه کارها و حرفه ها قرار داده شده باشد، بلکه هر آدمی، به طور طبیعی و فطری، استعداد و ذوق یک یا چند کار محدود را دارد. دستگاه آفرینش، افراد را با ذوق و استعدادهای ویژه ای آفریده است. یکی از رمزهای پیروزی، آن است که انسان، به سراغ کار و رشته ای برود که بر اساس ذوق و سلیقه و استعداد او باشد. امروزه در کشورهای توسعه یافته با آزمایش های ویژه، استعداد افراد را به دست می آورند و به آنها توصیه می کنند در رشته ای که استعداد آن را دارند وارد شوند.

خداوند، انسان ها را در حد توان و ظرفیت آنان مکلف کرده است و می فرماید: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا؛ خداوند، هر کسی را به اندازه توانایی او تکلیف نموده است». (بقره: ۲۸۶) بدون شک، این سخن زیبای پروردگار، افزون بر آنکه از دریای عدالتش سرچشمه می گیرد، در مصلحت و حکمت او نیز ریشه دارد؛ زیرا تکلیف نمودن فراتر از «توان»، افزون بر آنکه مانع از انجام درست و کامل آن عمل می شود، بیزاری نسبت به آن را نیز در پی دارد. در نتیجه، روح نشاط و سرزندگی را از انسان می گیرد و ناخودآگاه، آدمی را به سوی افسردگی می کشاند.

مناسب است که انسان ها، با الگوگیری از این اصل قرآنی، توان و ظرفیت خود را در کارهای مورد نظرشان محاسبه کنند تا در نتیجه از پی آمدهای ناگواری که گفته شد، محفوظ بمانند. پذیرش کار متناسب با توان جسمی، فکری و مدیریتی، افزون بر اثر مثبت آن در سامان دهی امور اقتصادی، در تندرستی، نشاط روحی و نیز حفظ کرامت و شخصیت افراد نقش مهمی دارد. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «سزاوار نیست مؤمن، خود را خوار نماید». به امام گفته شد: چگونه ممکن است خود را ذلیل سازد؟ فرمود: «به کارهایی دست زند که توان انجام آن را ندارد». (غزالی، مشکاه الأنوار: ۱۰۳) این مهم، به ویژه درباره زنان شاغل که به طور طبیعی وضعیت جسمی و روحی متفاوتی نسبت به مردان دارند، بیشتر قابل توجه است. علی علیه السلام با اشاره به این حقیقت می فرماید: "کاری را که خارج از توانایی زن است، به دستش مسپار که به حال او مناسب تر است و به او آسایش خاطر بیشتری می بخشد و زیبایی اش را پایدارتر می سازد؛ زیرا زن همچون گلی خوش بو است." (نامه سی و یک حضرت علی (ع) به امام حسن (ع) در نهج البلاغه)

خلاصه آنکه اهمیت «تخصص» در کار و حرفه تا آنجاست که در روایت اسلامی از آن به عنوان معیاری برای شخصیت انسان ها نام برده شده است. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید: «النَّاسُ أَبْنَاءُ مَا يُحْسِنُونَ؛ مردمان فرزندان آن چیزند که آن را نیک و شایسته انجام دهند».

در شرح این حدیث شریف چنین آمده است: یعنی همان گونه که انسان ها به پدران خویش نسبت دارند و با پدران و قدر و منزلت آنها شناخته می شوند، به همین گونه هم، اشخاص به کار و مهارت و تخصص خود نسبت داده می شوند و قدر و منزلت کسب می کنند.

اهمیت کار در نگاه به بیکاری

بیکاری، ناهماهنگی با آفرینش است. در جهانی که هر ذره ای در آن، به کاری و وظیفه ای مشغول است، بیکاری یعنی نواختن ساز مخالف در جمع هم نوای عالم هستی که در نتیجه سبب ظهور زشتی در مجموعه جهان آفرینش خواهد شد. افزون بر آن، بیکاری بستری مناسب برای بروز انواع ناهنجاری های اخلاقی و ارتکاب لغزش هاست.

یکی از دانشمندان می نویسد: "در بهداشت روانی به ثبوت رسیده است که بیکاری و عدم فعالیت و اشتغال فکری موجب خلأ روحی و دشمن سلامت روح است. کسانی که از فعالیت های زایا و خلاق و مفید بازمانند، ناچار، مشغولیت ها و سرگرمی های زیان مند برای خود فراهم می کنند و به قمار و باده گساری و مواد مخدر و تنوع جویی های جنسی، خودخوری، حسادت، کینه توزی های دور از منطق، عیب جویی از دیگران و رفتارهای انحرافی دیگر توسل می جویند."

درمان به وسیله کار، تفریح و فعالیت های گوناگون، یکی از مهم ترین شیوه های تکاپوی درمانی، در معالجه بیماران روانی به شمار می رود. نه تنها حفظ سلامت روح و پیش گیری از شبیخون ناراحتی های روانی، نیازمند به سرگرمی و فعالیت و اشتغال فکری است، بلکه لازمه پرورش استعدادها و رشد صحیح شخصیت نیز، به کار گماشتن نیروهای فکری و پرهیز از تنبلی فکری است.

پاسکال نیز گفته است: "منشأ کلیه مفاسد فکری و اخلاقی، بیکاری است. هر کشوری که بخواهد این عیب بزرگ اجتماعی را رفع کند، باید مردم را به کار وادارد تا آن آرامش عمیق روحی که عده اندکی از آن آگاهند، در وجود همه برقرار شود." (مرتضی مطهری، ۱۳۷۱: ۲۸۸-۲۸۹) بنابراین، در نگاهی جامعه شناسانه باید گفت: اصلاح جامعه، نتیجه ای است که با تحقق مقدمه هایی شکل می گیرد. از مهم ترین آن مقدمات، ایجاد بازار اشتغال و فراهم ساختن زمینه های شغلی برای افراد بی کار است.

از نظر امام خمینی هر کسی که در کاری هست باید آن کار درست انجام دهد بیکاری و کم کاری را سم کشنده برای ملت می داند در این مورد می فرماید: «اگر ما خودمان کار نکنیم لابد باید وابسته باشیم اگر خودمان زراعت نکنیم باید

در زراعت وابسته باشیم اگر خودمان صنعت مان را خودکفا نکنیم در آن هم باید باز وابسته باشیم هر کس در هر کاری که هست آن را کار خوب انجام بدهد کم کاری بیکاری و وادار کردن به بیکاری از اموری است که برای کشور ما درست مثل سم قاتل است کشور را به تباهی می کشد.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، جلد ۱۲: ۱۰) «آنهایی که از شما شکست خورده اند آرام نمی نشینند آنها درصدد این هستند که جبران کنند به حسب آنطوری که در سیره آنهاست به دست خود شما می خواهند جبران کنند می خواهند شکست شما به دست خودتان باشد و این امر بسیار مهم است و باید بسیار رویش دقت بشود اگر مردم را در کارخانه ها در کشاورزی وادار کنند به اینکه با ایادی خودشان وادار کنند به اینکه سستی در امر کشاورزی کنند که در راس امور در یک کشوری امثال کشور ماست و آنها که در کارخانه ها کار می کنند وادار کنند به کم کاری و کارهای دیگر از آنجا نقطه شکست ما شروع می شود.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، جلد ۱۸: ۲۸۱)

آثار معنوی کار

یکی از آثار ارزشمند و زیبای اشتغال و کار، فواید معنوی آن است. قرآن کریم می فرماید: برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست. (نجم: ۳۹) این آیه مبارکه به صراحت بیان می کند که بهره انسان و دستاورد او فقط در سایه تلاش و کوشش حاصل می شود و بدون تلاش و فعالیت، نمی توان به منافع مادی و معنوی دست یافت.

در بینش اسلامی، انسان ها به سعی و تلاش در جهت نیل به اهداف مادی، معنوی و روحی ترغیب شده اند و سستی و اهمال کاری مذمت گردیده است. کار و اداره اقتصادی خانواده در زمره جهاد و مبارزه در راه خدا تلقی گردیده و برای آن پاداشی سترگ منظور شده است (مرتضی فرید، ۱۳۶۶، ج ۳: ۸) و فقر پدید آمده از بیکاری و تنبلی منشأ بی ایمانی تلقی گردیده است. جزع و بی ثباتی در برابر مشکلات نکوهش شده و انسان منفعل و متأثر از رویدادها ضعیف و ناقص معرفی شده و در مقابل، افراد تلاشگر مورد مدح و ستایش قرار گرفته اند (شیخ حرّ عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۷: ۲۴) کسانی که توان کار دارند ولی مخارج خود را بر دیگران تحمیل می کنند ملعون (همان: ۳۲) خطاب شده اند.

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در روایتی نورانی، کار و تلاش برای به دست آوردن روزی حلال را بهترین جزء عبادت شمرده، می فرماید: عبادت هفتاد جزء دارد که بهترین آنها طلب روزی حلال و تلاش در راه کسب آن است. (همان: ۲۴)

امام صادق علیه السلام می فرماید: جدّم، امام سجّاد علیه السلام، صبح زود برای طلب روزی از منزل خارج می شدند. روزی کسی پرسید: کجا تشریف می برید؟ فرمودند: می روم تا به خانواده ام صدقه بدهم. آن شخص با تعجب پرسید: صدقه به خانواده؟ فرمودند: هر کسی به دنبال کسب حلال برود و برای طلب مال و روزی حلال برای همسر و خانواده اش حرکت کند، مصداق صدقه از جانب خدای سبحان است (همان: ۶۷)

تنبلی و بیکاری در آموزه های دینی مذمت شده و آثار زیان باری بر آن مترتب شده است. در حدیثی از امام موسی بن جعفر علیه السلام می خوانیم: خداوند انسان تنبل و پر خواب را مبغوض و افراد بیکار را دشمن دارد (همان: ۵۸)

در حدیثی از امام باقر علیه السلام نیز چنین نقل شده است: به درستی که من افراد تنبل و کسل را دوست ندارم و کسی که در امور دنیوی کسل و بی حال باشد، در امور آخرتی، تنبل تر و بی حال تر است. (همان : ۵۹)

فعالیت هدفمند و صحیح انسان را به شخصی متعادل در ابعاد معنوی، تربیتی، اجتماعی و خانوادگی تبدیل می کند و موجب می شود در جنبه های مذکور، واقع بین، مردمدار، دلسوز، با تجربه، مسئول، با انگیزه و جامع باشد؛ زیرا کسی که وارد عرصه های اقتصادی می شود از یک سو، با زحمت و مشکل کار آشنا می شود، و از سوی دیگر، به دلیل تعاملات اجتماعی و ارتباطات کاری و شغلی، که با دیگران دارد، از مشکلات مردم و نیازهای آنان مطلع می گردد و در تأمین آنها اقدام می کند و به رضایت خاطر و احساس آرامش نایل می گردد.

شهید مطهری می نویسد: کار سازنده انسان و از عوامل تربیت کننده اوست. (مرتضی مطهری ، ۱۳۷۱ : ۴۱۰) ارتباط انسان و کار، ارتباطی متقابل است؛ ضمن اینکه انسان آفریننده کار و فعالیت خود است، نوع کار انسان نیز سهم فراوانی در تکوین شخصیت وی دارد. وقتی ابعاد گوناگون شخصیتی همچون امیرالمؤمنین علی علیه السلام را مورد مذاقه قرار دهیم، ملاحظه می کنیم که ایشان در عین آنکه زاهدترین فرد عصر خویش است، فعال ترین آنها نیز هست. ایشان در عین اینکه بیشترین عبادت ها را در پیشگاه خدای خود دارد، ثمربخش ترین اوقات را نیز دارد. شهید مطهری می نویسد: "شخصیت حضرت علی علیه السلام شخصیتی است که جامع اضداد است. وقتی شب می شود و خلوت شب فرا می رسد، هیچ عارفی به پای او نمی رسد؛ آن روح عبادت که جذب شدن و کشیده شدن به سوی حق و پرواز به سوی خداست، به شدت در او رخ می دهد... روز که می شود، گویی این شخص آن فرد قبلی نیست، با اصحابش که می نشیند، چنان چهره اش باز و خندان است که خنده رویی از جمله اوصاف او تلقی می گردد." (مرتضی مطهری، ۱۳۶۷: ۵۴)

حضرت علی علیه السلام در دو فرمایش گران قدر، ضمن اشاره به آثار اقتصادی کار و اینکه منشأ آسایش و رفاه خانواده می شود، به آثار معنوی و اجر اخروی آن نیز توجه داده، فرموده اند: هیچ تلاش صبح هنگامی در راه خدا، به فضیلت کار در جهت رفاه و آسایش فرزند و خانواده نمی رسد (محمد محمدی ری شهری، ۱۴۲۱، ج ۴: ۱۶۹) همچنین در جای دیگر فرمودند: کسی که از سر دل سوزی برای پدر یا فرزند یا همسر، به دنبال امر دنیا پیش باشد، در قیامت چهره اش مانند ماه شب چهارده است. (همان : ۱۷۰)

حضرت علی علیه السلام خودشان به عنوان ابرمرد بی همتای تاریخ و رهبر مسلمانان، در کار و تلاش، نهایت جدیت را داشتند و نخلستان های زیادی را با دستان مبارکشان، به وجود آوردند و در راه خدا وقف نمودند و حتی چاه هایی را برای به دست آوردن آب، حفر کردند و درختانی را به دست مبارک خود، آبیاری نمودند. در روایتی نورانی، که درباره آن حضرت نقل شده، آمده است: خودشان کار و تلاش می کردند، زمین را زراعت می کردند، آب می دادند و نخل می کاشتند و همه اینها را خودشان مستقیماً انجام می دادند. (همان: ۱۷۱)

کار و اشتغال زمینه انحرافات اخلاقی و تربیتی را سد می کند و جلوی انباشته شدن انرژی را، که منشأ انحراف است، می گیرد و آن را مهار می کند. بیکاری و فراغت مطلق زمینه ایجاد انحرافات اخلاقی را به وجود می آورد و بر خلاف

اشتغال، بستر گناه را آماده می‌سازد. بیکاری و نبود اشتغال در عین حال که موجب سرگردانی و بالاتر کیفی انسان‌ها می‌شود، به تدریج موجب سرخوردگی و یأس آنان می‌گردد و موجب می‌شود تا آنها به کنج خلوت و انزوا پناه ببرند و راهی برای مشغولیت خود بجویند. این مشغولیت در بسیاری از موارد، به انحرافات اخلاقی، به ویژه انحرافات جنسی در نوجوانان و جوانان، منجر می‌شود. بیکاری منشأ پایین آمدن عزت نفس در جوانان می‌گردد و کسی که از عزت نفس پایین برخوردار باشد به گناه گرایش بیشتری دارد و در مقابل، کسانی که دارای عزت نفس و حرمت بالایی هستند کمتر به طرف انحرافات گرایش دارند.

موريس روزنبرگ، یکی از روان‌شناسان، خاطرنشان می‌کند که یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده رشد حرمت خود و شخصیت نوجوان این است که تا چه حد با دیگران و محیط اجتماعی سازگاری دارد، و تا چه حد از مقبولیت و محبوبیت برخوردار است (اسماعیل بیابانگرد، ۱۳۷۸: ۱۲۱) کسی که دارای شغل و حرفه است، از مقبولیت و محبوبیت بیشتری برخوردار است و نزد خود، حرمت بالایی دارد. حضرت علی علیه‌السلام درباره آفات معنوی و تربیتی بیکاری و نداشتن برنامه برای اوقات فراغت می‌فرمایند: اگر ذهن و قلب انسان، رها و بدون برنامه باشد به وسوسه‌های بد و شیطانی گرفتار می‌شود، و اگر فعالیت‌های جسمانی و بدنی در انسان دچار رکود و تنبلی شوند، راه برای ارتکاب گناهان باز خواهد شد. (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰: ۳۰۳) در این حدیث، حضرت علی علیه‌السلام توصیه می‌کنند: اگر می‌خواهید به دام گناه و انحراف دچار نشوید اوقات فراغت و بیکاری خود را پر کنید و ذهن و جسم را به فعالیت مفید و ارزشمند مشغول سازید.

کسی که گمان می‌کند آن‌چه به‌دست آورده است حاصل تلاش خود اوست، در این جهت احساس بی‌نیازی نسبت به خداوند کرده و روزی به‌دست آمده را نعمتی که خداوند به او تفضل نموده نمی‌بیند. از این رو عجب و خودپسندی او را از شکر نعمت باز می‌دارد. در مقابل کسی که معتقد است کار و تلاش‌اش به تنهایی برای رسیدن به روزی کافی نیست و اسباب دیگری نیز در کار است که به‌دست خداوند تحقق می‌یابد، در کنار کار و تلاش، سعی می‌کند کارهایی را که خداوند از آن نهی کرده انجام ندهد و بر خداوند توکل نموده، برای دستیابی به روزی دعا کند. پس از آن نیز اگر به روزی دست یافت آن را عطیه‌ای از جانب خداوند می‌یابد و او را شکر می‌گوید. این‌گونه است که به فرموده حضرت امام خمینی (ره) اسلام مادیات را به خدمت معنویات درآورده و با تنظیم فعالیت‌های مادی راه را برای اعتلای معنوی انسان می‌گشاید. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۳: ۵۳؛ امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۵: ۲۴۱)

ج. آثار اقتصادی

ما برای تأمین نیازهای ضروری زندگی خود، همسر و فرزندانمان، کار و تلاش می‌کنیم. در این روزگار، به ندرت ممکن است به کسی برخورد کنیم که خوراک، پوشاک، مسکن و سایر احتیاجات خود را مجانی به دست آورد. بنابراین، تمام افراد به نوعی با کار و اشتغال سرو کار دارند و برای تأمین خواسته‌های زندگی خود، کوشش می‌کنند. کار علاوه بر اینکه موجب رفع نیازهای اقتصادی انسان می‌شود، در شکوفایی جامعه نقش اساسی دارد. جامعه‌ای که اعضای آن اهل

تلاش و فعالیت هستند جامعه‌ای سرزنده، فعال، ثروتمند و قدرتمند است، و در مقابل، جامعه‌ای که افراد آن بی‌انگیزه، تنبل و بیکار باشند جامعه‌ای فقیر، نیازمند و بی‌تحرك است.

قرآن کریم ضمن دعوت به تلاش و فعالیت، به آثار اقتصادی آن و اینکه تلاش و کار موجب آبادانی زندگی مادی و به وجود آمدن لذت‌های دنیوی می‌شود، اشاره نموده، می‌فرماید: او (خداوند) کسی است که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن صید کنید و گوشت تازه بخورید و از زیورهای آن (مانند در و مرجان) استخراج کنید و بدان خود را بیارایید و کشتی‌ها را می‌بینید که سینه دریا را می‌شکافند تا شما به تجارت بپردازید و از فضل خداوند بهره گیرید. (نحل: ۱۴) و در آیه دیگری می‌فرماید: ما شب و روز را روشنی‌بخش ساختیم تا فضل پروردگار را در پرتو آن بطلید و به تلاش و فعالیت بپردازید. (اسراء: ۱۱)

امام خمینی به این مطلب اشاره می‌کند که ایادی استکبار در داخل با ایجاد کم کاری در کارخانه ها و بیکاری سعی دارند حکومت نتواند آرامش و استقرار لازم را داشته باشد لذا هشدار میدهد که ملت مواظب باشد. «امروز آنهایی که می‌خواهند نگذارند این نهضت، نهضت اسلامی به ثمر برسد با طرح های مختلف با فرم های مختلف در بین قشرهای مختلف ایجاد تشنج نمایند مساله کم کاری و بیکاری در ادارات در کارخانه ها خصوصاً کارخانه هایی که جهت حیاتی برای ما دارد مثل ذوب آهن که شما آقایان هستید و مثل نفت این عناصر بیشتر آنجا می‌خواهند نفوذ کنند برای اینکه هر جا خدمتش به ملت زیادتر باشد اینها می‌خواهند آنجا را فلج کنند که استقرار پیدا نشود. در این کشورو نتواند حکومت مستقر پابرجا تعیین کند در آن کار بیکار یا وادار کنند که اشخاصی را که آنها هم کم کاری کنند از زیر بار شانه خالی کنند که این ضربه ای است به کشور خودشان و آنها همین معنا را می‌خواهند که جاهایی که محیط کار است نگذارند کار انجام گیرد(امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۱)

کار و تلاش سبب آبادانی زندگی دنیوی و رفاه اجتماعی شده، اقتدار اقتصادی جامعه اسلامی را در پی دارد. کار علاوه بر آثار اقتصادی، پاداش اخروی و ارزش والایی نیز می‌تواند داشته باشد.

د. آثار اجتماعی

یکی از زمینه‌های انجام گناه و رفتارهای ناپه‌نجار در انسان، بیکاری است. بیکاری و تنبلی به عنوان یک پدیده شوم، مصایب و مشکلات فراوانی برای افراد و اجتماع به وجود می‌آورد. اولین ثمره تلخ و زودرس بیکاری، فقر و تهی‌دستی است؛ پدیده نامیمونی که از آن به «مرگ بزرگ» (محمدباقر مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰: ۹۹) تعبیر شده و موجب می‌شود انسان‌های فقیر و درمانده به اعمال خلافی مثل دزدی، تجاوز، خودفروشی و بی‌عفتی مبادرت ورزند و از طریق همکاری با افراد بزه‌کار و خلاف‌کار، زمینه متلاشی شدن خانواده و در نتیجه، ناهنجاری اجتماعی را پدید آورند.

حضرت علی علیه‌السلام درباره سرانجام بیکاری و تنبلی فرمودند: آن‌گاه که پدیده‌ها با یکدیگر جفت و جور شدند، تنبلی و ناتوانی نیز در کنار هم قرار گرفتند و فقر و تنگ‌دستی را پدید آوردند. (محمدبن یعقوب کلینی، ۱۳۵۰، ج ۵: ۸۶)

در این روایت، فقر پدیده‌ای منفی، و بیکاری عامل و منشأ آن معرفی شده است، و بیکاری و تنبلی، که عامل فقر هستند، نیز مذمت شده و ناپسند تلقی گردیده‌اند.

دومین ثمره بیکاری، انباشته شدن انرژی فراوان در درون جوان است که به راحتی او را به انحرافات اخلاقی سوق می‌دهد. اگر زمینه مصرف انرژی و متراکم جوانی از طریق کار و اشتغال ایجاد شود، جوان به تعادل و آرامش می‌رسد. در سخنی حکیمانه آمده است: اگر نفس را به کاری مشغول نکنی، تو را به خودش مشغول می‌کند (ورّام بن ابی فراس، ۱۳۷۶ق، ج ۲: ۱۳۴) در روایتی دیگر به نقل از حضرت علی علیه‌السلام آمده است: اگر سرگرم شدن به کاری موجب سختی و رنج است، پس فراغت همیشگی موجب فساد و تباهی است (همان، ج ۷۴: ۴۲۱)

فقر به عنوان یکی از نتایج قهری بیکاری، نقش قابل توجهی در زمینه‌سازی برای بزه‌کاری و جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی دارد. فقر می‌تواند به طور مستقیم و غیرمستقیم فضیلت‌های اخلاقی جوامع انسانی را نابود کند و استعداد‌های انسان‌ها را تباه سازد. در تحقیقات تجربی و میدانی، که توسط محققان جامعه‌شناس انجام گرفته، این نتیجه به دست آمده است که بین فقر و بزه‌کاری ارتباط زیادی وجود دارد و فقر زمینه‌ساز جرایم اجتماعی مثل سرقت، خودفروشی، توزیع مواد مخدر و مانند آن است (مرتضی محسنی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۹۶ و ۲۱۷)

برخی از نویسندگان بر این نکته تأکید دارند که مشکلات اقتصادی، موجد ناامنی فضای خانواده‌ها می‌شود؛ زیرا آینده مبهم و نامعین بر دستگاه روانی کودکان فشار می‌آورد و بر آنان اثر نامطلوب می‌گذارد. احساس ناامنی و ابهام ایجادکننده ناپایداری و در نتیجه، ناسازگاری است و بزه‌کاری ناشی از آنها به خاطر عدم تعادل و بروز اختلال در منش است. (مهدی کی‌نیا، ۱۳۷۰، ج ۲: ۱۸۷) در آموزه‌های دینی و اسلامی، به مباحث ارزشمند و دقیقی در رابطه با ارتباط فقر و ناهنجاری اجتماعی اشاره شده است.

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام خطاب به فرزند بزرگوارشان امام حسن مجتبی علیه‌السلامی فرمایند: فرزندانم! انسانی را که به دنبال روزی و رزق خویش است، ملامت مکن؛ زیرا کسی که هیچ ندارد لغزش‌هایش بسیار خواهد بود (محمدباقر مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۹: ۶۹)

حضرت علی علیه‌السلام در ادامه همین روایت، تحلیل جامعی ارائه داده‌اند که تبیین‌کننده ارتباط فقر با کاهش اعتبار اجتماعی و تنزل جایگاه اجتماعی است که هر کدام در بسترسازی جرم و بزه‌کاری نقش دارند؛ حضرت می‌فرمایند: پسر! فقیر، حقیر شمرده می‌شود و کسی به حرفش توجه نمی‌کند و جایگاهش مورد غفلت واقع می‌شود. فقیر اگر راست هم بگوید تصور می‌کنند دروغ‌گوست؛ اگر زهد داشته باشد او را جاهل خطاب می‌کنند. پسر! کسی که به فقر مبتلا باشد به چهار خصلت گرفتار می‌شود: ضعف در یقین، نقصان در عقل، کم‌دینی و کم‌حیایی در صورت. (همان) پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند: فقر موجب روسیاهی انسان در هر دو دنیاست، و فقر ممکن است انسان را به کفر بکشانند (همان، ج ۶۹: ۳۰)

بعضی افراد به علت ضعف روح و ضعف اراده، قدرت تحمل فقر را ندارند و در زندگی دنیوی، برای رفع آن به راه‌های نامشروع و ناپسند و به تعبیری، بزه‌کاری روی می‌آورند. وقتی فقر می‌تواند منشأ کفر و بی‌دینی باشد، بدون تردید، منشأ جرم و ناهنجاری نیز خواهد شد.

سخن بلند امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، که خطاب به محمدبن حنفیه فرمودند در این رابطه، قابل دقت و تأمل جدی است: پسر! من بر تو از تنگ‌دستی می‌ترسم. پس از شر آن به خدا پناه ببر که تنگ‌دستی موجب شکست و نقصان دین است و موجب سرگردانی و سبب دشمنی. (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۲۵)

حضرت امام خمینی در برخی از بیانات مسئله جنگ بین فقر و غنا را مطرح فرمودند مقصود از جنگ فقر و غنا مبارزه با یک سیستم اجتماعی و اقتصادی است که در بطن خود دو طبقه فقیر و غنی به وجود می‌آورد فقر و غنا دو پدیده است که در این سیستم خودنمایی می‌کند و حالت وسطی متصور نیست در این سیستم اقلیتی دارای ثروت و مکتب هنگفت بود و اکثریت مردم نیز در فقر و محرومیت به سر می‌برند منظور حضرت امام از جنگ فقر و غنا جنگ با چنین سیستم و نظامی است این یک نبردی مقدس و دائمی است که باید آن قدر ادامه یابد تا حاکمیت سرمایه بر جهان شکسته شود حضرت امام در این زمینه می‌فرمایند: «امروز جنگ حق و باطل جنگ فقر و غنا جنگ استضعاف و استکبار و جنگ پابره‌نه‌ها و مرفهین بی‌درد شروع شده است و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان که کوله بار مبارزه را بردوش گرفته اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده اند می‌بوسم». (آرینی، ۱۳۷۴)

فقر ممکن است فقیر را به جنایت، دروغ، خواری و اعمال نکوهیده دیگری وادارد که همه موجب نقص در دین می‌شوند. فقیر ناشکیبا راه راست را گم می‌کند و در کار خود، عقلش حیران و اندیشه‌اش سرگردان می‌شود. همچنین فقر موجب دشمنی است؛ چون مردم از فقیر دوری می‌گزینند و با او طرح دوستی نمی‌ریزند. فقر موجب تنزل شخصیت و بی‌اعتباری اجتماعی می‌شود و کسی که از نظر اجتماعی بی‌ارزش باشد، زمینه جرم و خلاف‌کاری در او زیاد می‌گردد. از این‌رو، در مباحث روان‌شناختی، تلاش می‌شود شخصیت به هم ریخته بزه‌کار ترمیم شود تا زمینه جرم برطرف گردد. حضرت علی علیه‌السلام در رابطه با ارتباط فقر و منزلت جایگاه اجتماعی می‌فرمایند: خدا! آبروی مرا با توانگری نگاهدار و شخصیت مرا به تنگ‌دستی از بین ببر! (همان، ترجمه علینقی فیض‌الاسلام، ۱۳۶۷: ۷۱۶)

از مجموعه روایاتی که در رابطه با فقر مطرح شدند، این نتیجه به دست می‌آید که فقر موجب نابودی شخصیت، شکوفا نشدن استعدادها، و رکود فضیلت‌های اخلاقی و دینی انسان‌ها می‌شود. همچنین ضعف اقتصادی زمینه‌ساز ضعف فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می‌گردد. همه اینها زمینه‌ساز انحرافات اجتماعی هستند. بنابراین، باید با تلاش و کوشش فراوان و با اشتغال مفید، بر فقر غلبه کرد و زمینه انحرافات اجتماعی را از بین برد.

نکته‌ای که توجه بدان لازم است اینکه اولاً، اگر چه فقر می‌تواند منشأ کارهای خلاف شود، ولی ثروت زیاد نیز اگر در اختیار افراد نالایق و ناشایست قرار گیرد، به مراتب تبعات بدتری از فقر خواهد داشت. ثانیاً، گرچه در بسیاری از روایات، از فقر مذمت شده، ولی اگر فقری بر خدا توکل داشته باشد و اراده‌اش را تقویت کند و به دستورات دینی ملتزم باشد و

تلاش و کوشش متعادل داشته باشد و اگرچه به ثروت هم نرسد ولی وظایف الهی را فراموش نکند، به جایگاه معنوی بلندی نایل می‌شود و چنین اشخاصی در روایات اسلامی، مورد مدح و ستایش قرار گرفته‌اند؛ زیرا اینها کوتاهی نکرده و به وظایف اجتماعی، شغلی، دینی و الهی خود عمل کرده‌اند، اگرچه بنا به دلایلی به فقر گرفتارند. حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره مقام و منزلت فقرای با دیانت و مؤمن می‌فرمایند: درهای بهشت به سوی فقرا باز و گشوده است (محمدباقر مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۹: ۴۶) همچنین فرمودند: خدایا مرا با فقر زنده بدار و با فقر بمیران و مرا با فقرا و مساکین محشور کن. (همان)

کار از نگاه دیگران

ارزش و قداست کار، مورد توجه همه مذاهب و اقوام بوده است و هر کدام به نوعی، توصیه به آن را در دستور کار خویش قرار داده‌اند. ادیان الهی و آسمانی عموماً به کار و فعالیت توجه فراوان کرده‌اند. پیامبران الهی بر کار و فعالیت تأکید داشته و خود به آن می‌پرداختند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله قبل از بعثت گوسفندچرانی می‌کرد و با مال و سرمایه خدیجه علیه السلام تجارت می‌نمود. حضرت موسی علیه السلام نیز گوسفندچرانی می‌نمود. حضرت ابراهیم علیه السلام به کارهای چوپانی و بنایی اشتغال داشت و حضرت ادريس علیه السلام خیاط و حضرت نوح علیه السلام نجار بوده است^۱

در نوشته های پولس رسول از حواریون عیسی مسیح علیه السلام می‌خوانیم: "نان هیچ کس را مفت نخوردیم، بلکه روز و شب کار کردیم و عرق ریختیم تا بتوانیم لقمه نانی بخوریم و سربار کسی نباشیم. نه به این دلیل که ما حق نداشتیم از شما تقاضای خوراک بکنیم، بلکه می‌خواستیم به شما نشان بدهیم که برای امرار معاش باید کار کنید."

ویل دورانت نیز در این باره می‌گوید: "تندرستی، در کار کردن است و از این روی به جوانی لطف و زیندگی می‌بخشد. سرّ لطف و زیندگی در کار کردن است و اشتغال، نیمی از رمز خرسندی و خشنودی است. از خدا مال و منال نخواهیم، بلکه توفیق کار و عمل خواهیم. (ثورو) می‌گوید: در مدینه فاضله، هر کسی باید خود، خانه خود را بسازد. در این حال، دل های مردم از نغمه و سرور پر می‌گردد، همانند مرغان که به هنگام ساختن لانه های خود، می‌خوانند و چه چهره می‌زنند." همچنین، نویسنده دیگری در این زمینه می‌نویسد "زندگی مردان موفق، شهادت می‌دهد که همگی مرد کار و زحمت بودند. به قول الکساندر هامیلتن نابغه عصر خود: مردم می‌گویند، تو نابغه هستی. من از نبوغ خود خبر ندارم، فقط می‌دانم، شخص زحمت کشی هستم."

ادیسون برای تکمیل پاره ای از اختراعات خود، شب ها و روزها در آزمایشگاه می‌ماند و برای آنکه نیروی برق را طوری تسخیر کند که استفاده از آن ارزان و آسان باشد، بارها اتفاق می‌افتاد که دو یا سه روز از آزمایشگاه بیرون نمی‌آمد. در زندگانی پاستور، دانشمند بزرگ فرانسه می‌خوانیم که شعار او در طول زندگی کار بود. گاهی چنان سرگرم کار

۱- اقتباس از کتاب کار و حقوق کارگر، تألیف شریف قریشی، ترجمه ادیب لاری و محصل یزدی، تهران، دارالکتب

می شد که سر و صدا و غوغای بیرون آزمایشگاه را نمی شنید. یکی از روان‌شناسان معاصر و صاحب‌نظر در مسائل بهداشت روانی، می‌گوید: "بررسی‌ها نشان داده است که کار از روی رغبت و علاقه، باعث نوعی اعتماد به نفس و آرامش روانی است" (بهروز میلانی‌فر، ۱۳۷۴: ۱۹۸)

موریس روزنبرگ (Maurice Rosenberg)، یکی از روان‌شناسان، خاطرنشان می‌کند که از یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده رشد اعتماد به نفس و شخصیت نوجوان و جوان این است که تا چه حدی با دیگران و محیط اجتماعی تعامل دارد و چه مقدار از محبوبیت برخوردار است. (اسماعیل بیابانگرد، ۱۳۷۸: ۱۲۱) نوجوان و جوانی، که دارای شغل و حرفه است، از مقبولیت و محبوبیت بیشتری برخوردار بوده، اعتماد به نفس بالایی دارد.

رهاورد روحیه کار و تلاش در یک جامعه و یک خانواده، اقتصاد سالم و قوی آن جامعه و خانواده است، و به عکس روحیه راحت‌طلبی و سستی، بیماری اقتصادی هر جامعه‌ای را سبب خواهد شد. کار نقش سازنده و تربیت‌کننده‌ای دارد و به اعتقاد استاد مطهری، کار از عوامل تربیت‌کننده انسان است (مرتضی مطهری، ۱۳۷۱: ۴۱۰)

ارتباط انسان و کار، ارتباطی متقابل بوده و ضمن اینکه انسان آفریننده کار و فعالیت خود است، نوع کار و انجام آن در هر مرحله، به او نشاط مضاعف می‌بخشد و در او عزت و بزرگی را تقویت می‌کند و تصور می‌نماید فردی ارزشمند و مفید برای جامعه است و می‌تواند مسئولیتی را به نحو مطلوب انجام دهد.

زندگی مردان پیروز شهادت می‌دهد که همگی در سایه کار و تلاش به عظمت و ناموری نایل آمده‌اند و این همه صنایع شگفت‌انگیز، اختراعات و اکتشافات کم‌نظیر، نتیجه کوشش‌های خستگی‌ناپذیر آنان است. حقیقت این است که بسیاری از آنها نابغه نبوده‌اند، بلکه در سایه کار و کوشش، استقامت و تلاش، به توفیقات سترگی دست یافته‌اند. الکساندر هامیلتون، یکی از نوابغ دنیا، می‌گوید: "مردم می‌گویند تو نابغه هستی، ولی من از نبوغ خودم خبر ندارم و فقط می‌دانم که شخص زحمت‌کش و پرکاری هستم" (جعفر سبحانی، ۱۳۷۵: ۱۸) نیوتن می‌گوید: "اگر من به جایی رسیده‌ام و عظمتی کسب کرده‌ام، بر اثر کار و کوشش بوده است." بزرگمهر هم درباره کار و اشتغال چنین نگاشته است: "باید لب فرو بست و بازو گشود و کار کرد و می‌بایست یقین داشت که کلید طالبی کام‌یابی و پیشرفت در کار و کوشش است" (همان: ۲۲)

در کتاب اخلاق ساموئل اسمایلز چنین آمده است: "بعد از دیانت و معنویت، مدرسه‌ای برای تربیت انسان بهتر از مدرسه کار و تلاش ساخته نشده است." (مرتضی مطهری، ۱۳۷۱: ۴۳۰) در این کتاب همچنین از بنیامین فرانکلین نقل کرده‌است: "عروس زندگی انسان کار و تلاش است و اگر شما بتوانید داماد این عروس بشوید (یعنی صاحب کار باشید) فرزند شما «سعادت و شادکامی» نام خواهد داشت" (همان) سقراط نیز می‌گوید: "کار سرمایه سعادت و نیک‌بختی است." (بهروز میلانی‌فر، ۱۳۷۴: ۲۰۰)

نتیجه‌گیری

کار و اشتغال، در زندگی نقشی اساسی و سازنده دارد و آثار تربیتی، روان‌شناختی، معنوی، اقتصادی و اجتماعی آن بر کسی پوشیده نیست. و اگر شغل مطابق آموزه‌های دینی و با رعایت حدود الهی و دستورات شرع مقدس انجام شود، عبادت تلقی شده، موجب کمال معنوی انسان می‌گردد و همچنین در پویایی شخصیت و اقتدار اجتماعی او، نقش قابل توجهی دارد. اشتغال منشأ آرامش روحی، اعتماد به نفس و عزت نفس است و انسان را به شخصیتی متعادل، پویا و خلاق مبدل می‌کند. حرفه و شغل باعث قدرت اقتصادی بالا و در نتیجه، احترام اجتماعی می‌شود. نبود شغل و حرفه موجب فقر اقتصادی می‌شود و فقر اقتصادی منشأ انحرافات اجتماعی، اخلاقی و خانوادگی می‌گردد. اهمیت کار و اشتغال تا جایی است که تمامی ادیان و اقوام بر آن تاکید می‌ورزند و بدون آن برای انسان شخصیتی قابل نیستند چنان چه مرتب تاکید می‌شود فقط در کاری که تخصص دارید مشغول شوید چرا که عزت و شخصیت شما در گرو همان کاریست که انجام می‌گیرد

کار و اشتغال علاوه بر مزایای فردی دارای مزایای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قابل توجه برای جامعه می‌باشد به طوری که هرچه اشتغال و همت و تلاش در یک جامعه بیشتر مورد توجه قرار گیرد آن جامعه از لحاظ تولید بسیار پیشرفت خواهد کرد و این امر سبب افزایش صادرات و کاهش واردات خواهد شد از طرفی دیگر نیز سبب کاهش هرچه بیشتر نرخ بیکاری و نرخ فساد در جامعه خواهد شد که در نتیجه روابط فرهنگی و اجتماعی نیز بهبود خواهد یافت پس در نهایت اهمیت آن کشور نیز از دیدگاه سیاسی بهبود خواهد یافت و عزت آن کشور نیز در نزد کشورهای دیگر به طرز چشم گیری بهبود خواهد یافت

بنابراین کار و اشتغال هم از دیدگاه فردی و هم از دیدگاه اجتماعی دارای اهمیت به سزایی است به طوری که توجه و اهمیت دادن به آن نه تنها مزایای فردی قابل توجهی دارد بلکه از مزایای گروهی و اجتماعی ویژه ای برخوردار است و بی توجهی و یا کم توجهی به آن می‌تواند به نتایج تاسف انگیزی منجر شود بنابراین توصیه می‌شود برای این مساله به طور ویژه ای برنامه ریزی و وقت گذاشته شود تا جامعه ایده آل به طور کامل پیاده سازی شود

منابع :

- ۱- قرآن مجید
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات مشرقین، چ ۵، ۱۳۷۹
- ۳- نهج البلاغه ترجمه علینقی فیض الاسلام، تهران، فقیه، ۱۳۶۷
- ۴- میک، رونالد، پژوهشی در نظریه ارزش کار، ترجمه م. سوداگر، تهران، پازند، ۱۳۵۸
- ۵- توسلی، غلامعباس، جامعه‌شناسی کار و شغل، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۷۵
- ۶- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۶۸، ج ۲۲
- ۷- جرداق، جرج، امام علی علیه السلام صدای عدالت انسانی، ج ۱، ترجمه سید هادی خسروشاهی، قم، نشر خرم، چ ۳، ۱۳۷۶

- ۸- برقی قمی، سید علی اکبر، جلوه حق در سیرت مولای متقیان امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام، تهران، انتشارات حافظ، بی تا
- ۹- بروجرودی، حسین، جامع احادیث الشیعه، بی تا، مدینه العلم، قم، ج ۲۲
- ۱۰- علی بن ابی طالب (ع)، غرر الحکم، عبدالواحد آمدی؛ ترجمه محمدعلی انصاری؛ ویرایش و تصحیح مهدی انصاری قمی، قم، موسسه انتشاراتی امام عصر (عج)، ۱۴۲۷ق، ج ۲
- ۱۱- حکیمی، محمد رضا و محمد و علی؛ الحیاء؛ ترجمه: احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰
- ۱۲- کمال الدین میرحسین میبدی یزدی، شرح دیوان منسوب به علی علیه السلام، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹
- ۱۳- بهروز میلانی فر، بهداشت روانی، چ چهارم، تهران، ۱۳۷۴
- ۱۴- مولانا جلال الدین بلخی، مثنوی معنوی، دفتر سوم
- ۱۵- غزالی، محمد علی، مشکاه الأنوار، بی تا، بی جا
- ۱۶- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۲، ج ۱۷
- ۱۷- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، قم، صدرا، ۱۳۷۱
- ۱۸- مرتضی مطهری، انسان کامل، قم، صدرا، ۱۳۶۷
- ۱۹- محمد محمدی ری شهری، موسوعه الامام علی بن ابی طالب، قم، دارالحديث، ۱۴۲۱، ج ۴
- ۲۰- مرتضی فرید، الحديث روايات تربیتی از مکتب اهل بیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶، ج ۳
- ۲۱- اسماعیل بیابانگرد، روش های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان، تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸
- ۲۲- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۰
- ۲۳- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ۶۹ و ۷۲
- ۲۴- محمدبن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۰، ج ۵
- ۲۵- ورام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ق، ج ۲ و ج ۷۴
- ۲۶- مرتضی محسنی، کلیات حقوق جزاء، تهران، دانشگاه ملی ایران، ۱۳۷۰، ج ۱
- ۲۷- مهدی کی نیا، مبانی جرم شناسی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ج ۲
- ۲۸- شریف قریشی، کار و حقوق کارگر، ترجمه ادیب لاری و محصل یزدی، تهران، دارالکتب
- ۲۹- جعفر سبحانی، رمز پیروزی مردان بزرگ، قم، نسل جوان، ۱۳۷۵
- ۳۰- خمینی، روح الله (۱۳۸۵)، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س): (بیانات، پیام ها، مصاحبه ها، احکام، اجازات شرعی و نامه ها)، جلد ۶ و ۱۲ و ۱۷ و ۱۸، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)
- ۳۱- خمینی، روح الله (۱۳۷۰)، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف)، جلد ۳ و ۵، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۳۲- آژینی، محسن (۱۳۷۴)، اندیشه های اقتصادی امام خمینی، موسسه کیهان
- ۳۳- طالبان، محمد رضا (۱۳۸۱)، عباس پورجانی، افشار اجتماعی از دیدگاه امام خمینی (س)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

۳۴- پناهی ، علی احمد ، اشتغال؛ آثار تربیتی و روان‌شناختی ، مجله معرفت ، سال شانزدهم ، شماره ۱۱۹ ، آبان ۱۳۸۶

۳۵- آسیب شناسی اقتصادی انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) : پرهیز از رفاه طلبی و رفاه زدگی ، روزنامه کیهان ، ۱۳۸۷/۱۱/۲۳

۳۶- Gerald C. Davison, Abnormal Psychology, New York, Johnwiley, ۲۰۰۱

۳۷- <http://www.rohama.org>

۳۸- <http://www.hawzeh.net>